



دانشگاه پیام نور

گذری بر یادمان‌های تاریخی ایران با رویکرد گردشگری

(جلد دوم: از ورود اسلام تا انتهای دوره صفوی)

علی اکبر مستقیمی

«عضو هیئت علمی دانشگاه یزد»

امروز کتابخوانی و علم‌آموزی نه تنها یک وظیفه‌ی ملی، که یک واجب دینی است.^۱

مقام معظم رهبری

در عصر حاضر یکی از شاخصه‌های ارزیابی رشد، توسعه و پیشرفت فرهنگی هر کشوری میزان تولید کتاب، مطالعه و کتابخوانی مردم آن مرز و بوم است. ایران اسلامی نیز از دیرباز تاکنون با داشتن تمدنی چندهزارساله و مراکز متعدد علمی، فرهنگی، کتابخانه‌های معتبر، علما و دانشمندان بزرگ با آثار ارزشمند تاریخی، سرآمد دولت‌ها و ملت‌های دیگر بوده و در عرصه فرهنگ و تمدن جهانی به‌سان خورشیدی تابناک همچنان می‌درخشد و با فرزندان نیک‌نهاد خویش هنرنمایی می‌کند. چه کسی است که در دنیا با دانشمندان فرزانه و نام‌آور ایرانی همچون ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، فارابی، خوارزمی و ... همچنین شاعران برجسته‌ای نظیر فردوسی، سعدی، مولوی، حافظ و ... آشنا نباشد و در مقابل عظمت آنها سر تعظیم فرود نیاورد. تمامی این افتخارات ارزشمند، برگرفته از میزان عشق و علاقه فراوان ملت ما به فراگیری علم و دانش از طریق خواندن و مطالعه منابع و کتاب‌های گوناگون است. به شکرانه الهی، تاریخ و گذشته ما، همیشه درخشان و پر بار است. ولی اکنون در این زمینه در چه جایگاهی قرار داریم؟ آمار و ارقام ارائه‌شده از سوی مجامع و سازمان‌های فرهنگی در مورد سرانه مطالعه هر ایرانی، برایمان چندان امیدوارکننده نمی‌باشد.

کتاب، دروازه‌ای به سوی گستره دانش و معرفت است و کتاب خوب، یکی از بهترین ابزارهای کمال بشری است. همه دستاوردهای بشر در سراسر عمر جهان، تا آنجا که قابل کتابت بوده است، در میان دست‌نوشته‌هایی است که انسان‌ها پدید آورده و می‌آورند. در این مجموعه بی‌نظیر، تعالیم الهی، درس‌های پیامبران به بشر، و همچنین علوم مختلفی است که سعادت بشر بدون آگاهی از آنها امکان‌پذیر نیست. کسی که با دنیای زیبا و زندگی‌بخش کتاب ارتباط ندارد بی‌شک از مهم‌ترین دستاورد انسانی و نیز از بیشترین معارف الهی و بشری محروم است. با این دیدگاه، به‌روشنی می‌توان ارزش و مفهوم رمزی عمیق در این حقیقت تاریخی را دریافت که اولین خطاب خداوند متعال به پیامبر گرامی اسلام (ص) این است که «بخوان!» و در اولین سوره‌ای که بر آن فرستاده عظیم‌الشأن خداوند، فرود آمده، نام «قلم» به تجلیل یاد

1. <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=2696>

شده است: «إِقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» در اهمیت عنصر کتاب برای تکامل جامعه انسانی، همین بس که تمامی ادیان آسمانی و رجال بزرگ تاریخ بشری، از طریق کتاب جاودانه مانده اند.

دانشگاه پیام نور با گستره جغرافیایی ایران شمول خود با هدف آموزش برای همه، همه جا و همه وقت، به عنوان دانشگاهی کتاب محور در نظام آموزش عالی کشورمان، افتخار دارد جایگاه اندیشه سازی و خردورزی بخش عظیمی از جوانان جویای علم این مرز و بوم باشد. تلاش فراوانی در ایام طولانی فعالیت این دانشگاه انجام پذیرفته تا با بهره گیری از تجربه های گرانقدر استادان و صاحب نظران برجسته کشورمان، کتاب ها و منابع آموزشی درسی شاخص و خودآموز تولید شود. در آینده هم، این مهم با هدف ارتقای سطح علمی، روزآمدی و توجه بیشتر به نیازهای مخاطبان دانشگاه پیام نور با جدیت ادامه خواهد داشت. به طور قطع استفاده از نظرات استادان، صاحب نظران و دانشجویان محترم، ما را در انجام این وظیفه مهم و خطیر یاری رسان خواهد بود. پیشاپیش از تمامی عزیزانی که با نقد، تصحیح و پیشنهادهای خود ما را در انجام این وظیفه خطیر یاری می رسانند، سپاسگزاری می نمایم. لازم است از تمامی اندیشمندانی که تاکنون دانشگاه پیام نور را منزلگاه اندیشه سازی خود دانسته و ما را در تولید کتاب و محتوای آموزشی درسی یاری نموده اند، صمیمانه قدردانی گردد. موفقیت و بهروزی تمامی دانشجویان و دانش پژوهان عزیز آرزوی همیشگی ما است.

دانشگاه پیام نور

فهرست مطالب

یازده

پیشگفتار

۱	فصل اول. هنر اسلامی ایران
۱	۱-۱ زمینه تاریخی
۶	۲-۱ معماری
۸	۳-۱ یادمان‌های اولیه اسلامی ایران
۸	۱-۳-۱ مسجد جامع فهرج
۱۱	۲-۳-۱ مسجد تاریخانه دامغان
۱۵	۳-۳-۱ مسجد جامع نائین
۱۹	۴-۳-۱ مسجد جامع عتیق، شیراز
۲۱	۵-۳-۱ گنبد قابوس
۲۵	فصل دوم. یادمان‌های دوره سامانی
۲۵	۱-۲ زمینه تاریخی
۲۵	۲-۲ معماری
۲۶	۱-۲-۲ آرامگاه امیراسماعیل سامانی، بخارا
۲۹	فصل سوم. یادمان‌های دوره آل‌بویه
۲۹	۱-۳ زمینه تاریخی
۲۹	۲-۳ معماری
۳۰	۱-۲-۳ مسجد جامع نیریز
۳۴	۲-۲-۳ بقعه دوازده امام، یزد
۳۷	فصل چهارم. یادمان‌های دوره سلجوقی
۳۷	۱-۴ زمینه تاریخی
۳۸	۲-۴ معماری

۴۰	۳-۴ مساجد دوره سلجوقی
۴۰	۱-۳-۴ مسجد جامع اصفهان
۵۹	۲-۳-۴ مسجد جامع اردستان
۶۲	۳-۳-۴ مسجد جامع برسیان
۶۴	۴-۳-۴ مسجد جامع بروجرد
۶۵	۵-۳-۴ مسجد جامع قزوین
۶۷	۶-۳-۴ مسجد جامع سمنان
۶۹	۷-۳-۴ مسجد جامع کاشان
۷۲	۸-۳-۴ مسجد جامع گلپایگان
۷۴	۹-۳-۴ مسجد جامع زواره
۷۶	۴-۴ مدارس دوره سلجوقی
۷۶	۱-۴-۴ مدرسه حیدریه، قزوین
۷۶	۲-۴-۴ مدرسه نظامیه، خرگرد
۷۷	۳-۴-۴ مدرسه ری
۷۷	۵-۴ آرامگاه‌های دوره سلجوقی
۷۷	۱-۵-۴ گنبد سرخ، مراغه
۸۰	۲-۵-۴ گنبد کبود، مراغه
۸۲	۳-۵-۴ گنبد علویان، همدان
۸۵	۴-۵-۴ گنبد علی، ابرقو
۸۶	۵-۵-۴ گنبد شیخ جنید، توران پشت
۸۸	۶-۵-۴ برج‌های خرقان، قزوین
۹۱	۷-۵-۴ برج علاءالدین، ورامین
۹۲	۸-۵-۴ سه گنبد، ارومیه
۹۴	۹-۵-۴ برج طغرل، ری
۹۶	۱۰-۵-۴ برج طغرل، مهمان‌دوست دامغان
۹۷	۱۱-۵-۴ جبل سنگ (گنبد جبلیه)، کرمان
۱۰۰	۱۲-۵-۴ آرامگاه خواجه اتابک، کرمان
۱۰۱	۱۳-۵-۴ برج نقاره‌خانه، ری
۱۰۲	۱۴-۵-۴ آرامگاه شبلی، دماوند
۱۰۴	۶-۴ کاروانسراهای دوره سلجوقی
۱۰۴	۱-۶-۴ رباط شرف

فصل پنجم. یادمان‌های دوره مغول و ایلخانی

۱۰۹	۱-۵ زمینه تاریخی
۱۰۹	۲-۵ شهرسازی دوره ایلخانی
۱۱۰	۱-۲-۵ سلطانیه
۱۱۱	۲-۲-۵ تبریز
۱۱۱	۳-۲-۵ سمرقند
۱۱۲	۴-۲-۵ مراغه

۱۱۲	۵-۲-۵ نیشابور
۱۱۲	۳-۵ معماری
۱۱۳	۵-۳-۱ شنب غازان خان
۱۱۳	۵-۳-۲ رَبع رشیدی
۱۱۶	۵-۳-۳ قصر آباقاخان
۱۱۶	۵-۳-۴ ارگ علیشاه یا مسجد علیشاه، تبریز
۱۱۸	۵-۳-۵ مسجد جامع ورامین
۱۲۲	۵-۴ آرامگاه‌های دوره ایلخانی
۱۲۳	۵-۴-۱ گنبد سلطانیه، زنجان
۱۲۸	۵-۴-۲ گنبد غفاریه، مراغه
۱۳۰	۵-۵ مدارس دوره ایلخانی
۱۳۰	۵-۵-۱ مدرسه شمسیه، یزد
۱۳۰	۵-۵-۲ مدرسه عبدالقادریه، یزد
۱۳۰	۵-۵-۳ مدرسه امامی، اصفهان
۱۳۲	۵-۵-۴ مدرسه ضیاییه، یزد
۱۳۵	فصل ششم. یادمان‌های دوره فترت
۱۳۵	۶-۱ زمینه تاریخی
۱۳۵	۶-۲ معماری
۱۳۵	۶-۲-۱ مسجد جامع یزد
۱۳۹	۶-۲-۲ مسجد جامع کرمان
۱۴۳	فصل هفتم. یادمان‌های دوره تیموری
۱۴۳	۷-۱ زمینه تاریخی
۱۴۴	۷-۲ معماری
۱۴۵	۷-۳ مساجد تیموری
۱۴۵	۷-۳-۱ مسجد گوهرشاد، مشهد
۱۵۰	۷-۳-۲ مسجد کبود، تبریز
۱۵۴	۷-۳-۳ مجموعه امیرچقماق، یزد
۱۵۷	۷-۴ آرامگاه‌های دوره تیموری
۱۵۸	۷-۴-۱ آرامگاه ستی فاطمه، یزد
۱۵۸	۷-۴-۲ مقبره امیر غیاث‌الدین ملک‌شاه، مشهد
۱۶۰	۷-۵ مدارس دوره تیموری
۱۶۱	۷-۵-۱ مدرسه غیاثیه خرگرد

۱۶۳	۲-۵-۷ مدرسه دو در، مشهد
۱۶۵	۳-۵-۷ مدرسه بالاسر، مشهد
۱۶۶	۴-۵-۷ مدرسه پریزاد، مشهد
۱۶۷	فصل هشتم. یادمان‌های دوره صفوی
۱۶۷	۱-۸ زمینه تاریخی
۱۶۷	۲-۸ معماری
۱۶۸	۳-۸ شهر اصفهان
۱۶۹	۴-۸ میدان نقش جهان
۱۷۱	۵-۸ مساجد دوره صفوی
۱۷۲	۱-۵-۸ مسجد امام، اصفهان
۱۸۱	۲-۵-۸ مسجد شیخ لطف‌الله، اصفهان
۱۸۷	۳-۵-۸ مسجد حکیم، اصفهان
۱۹۰	۴-۵-۸ مسجد جامع سناه
۱۹۲	۶-۸ کاخ‌های دوره صفوی
۱۹۲	۱-۶-۸ کاخ عالی قاپو، اصفهان
۲۰۸	۲-۶-۸ کاخ و باغ چهل‌ستون، اصفهان
۲۳۱	۳-۶-۸ تالار اشرف، اصفهان
۲۳۴	۴-۶-۸ کاخ هشت‌بهشت، اصفهان
۲۴۷	۵-۶-۸ کاخ چهل‌ستون، قزوین
۲۵۱	۶-۶-۸ کاخ صفی‌آباد، بهشهر
۲۵۱	۷-۸ باغ‌سازی دوره صفوی
۲۵۲	۱-۷-۸ چهارباغ، اصفهان
۲۵۳	۲-۷-۸ باغ فین، کاشان
۲۶۳	۳-۷-۸ باغ عباس‌آباد، بهشهر
۲۶۳	۸-۸ بازارهای دوره صفوی
۲۶۴	۱-۸-۸ بازار قیصریه، اصفهان
۲۷۰	۲-۸-۸ بازار قیصریه، لار
۲۷۱	۹-۸ مدارس دوره صفوی
۲۷۲	۱-۹-۸ مدرسه چهارباغ، اصفهان
۲۷۶	۲-۹-۸ مدرسه کاسه‌گران، اصفهان
۲۷۸	۳-۹-۸ مدرسه صدر، اصفهان
۲۷۸	۴-۹-۸ مدرسه جده بزرگ، اصفهان
۲۷۹	۵-۹-۸ مدرسه خان، شیراز
۲۸۲	۶-۹-۸ مدرسه عباسقلی‌خان، مشهد
۲۸۲	۷-۹-۸ مدرسه نواب، مشهد
۲۸۲	۸-۹-۸ مدرسه گنجعلیخان، کرمان

۲۸۴	۸-۱۰ حمام‌های دوره صفوی
۲۸۶	۸-۱۰-۱ حمام‌شاه، اصفهان
۲۸۷	۸-۱۰-۲ حمام شازده، اصفهان
۲۹۰	۸-۱۰-۳ حمام حضرت، اصفهان
۲۹۰	۸-۱۰-۴ حمام خسروآقا، اصفهان
۲۹۲	۸-۱۰-۵ حمام وزیر، اصفهان
۲۹۲	۸-۱۰-۶ حمام شاه (حمام مهدی قلی بیک)، مشهد
۳۰۸	۸-۱۰-۷ حمام گنجعلیخان، کرمان
۳۲۱	۸-۱۰-۸ حمام علی‌قلی آقا، اصفهان
۳۲۹	۸-۱۰-۹ حمام فین، کاشان
۳۳۰	۸-۱۱ کاروانسراهای دوره صفوی
۳۳۱	۸-۱۱-۱ کاروانسرای مادرشاه، اصفهان
۳۳۲	۸-۱۱-۲ کاروانسرای مادرشاه، مورچه‌خورت
۳۳۴	۸-۱۱-۳ کاروانسرای مهیار، اصفهان
۳۳۴	۸-۱۱-۴ کاروانسرای بیستون، کرمانشاه
۳۳۷	۸-۱۱-۵ کاروانسرای دیر گچین، قم
۳۳۸	۸-۱۱-۶ کاروانسرای امین‌آباد، شهرضا
۳۳۹	۸-۱۱-۷ رباط زین‌الدین، یزد
۳۴۰	۸-۱۱-۸ کاروانسرای گنجعلیخان، کرمان
۳۴۵	۸-۱۱-۹ کاروانسراهای میان‌دشت، شاهرود
۳۴۸	۸-۱۱-۱۰ کاروانسرای آهوان، سمنان
۳۴۸	۸-۱۱-۱۱ کاروانسرای شیخ علی‌خان، اصفهان
۳۴۹	۸-۱۱-۱۲ کاروانسرای شاه‌عباسی، کرج
۳۴۹	۸-۱۲ پل‌های دوره صفوی
۳۵۰	۸-۱۲-۱ پل شهرستان، اصفهان
۳۵۱	۸-۱۲-۲ پل مارنان، اصفهان
۳۵۲	۸-۱۲-۳ پل الله‌وردی‌خان، اصفهان
۳۵۴	۸-۱۲-۴ پل خواجه، اصفهان
۳۵۹	۸-۱۲-۵ پل جویی، اصفهان
۳۵۹	۸-۱۳ آرامگاه‌های دوره صفوی
۳۶۰	۸-۱۳-۱ مجموعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، اردبیل
۳۶۱	۸-۱۳-۲ آرامگاه شیخ‌صفی‌الدین اردبیلی، اردبیل
۳۶۶	۸-۱۳-۳ بقعه خواجه‌ربیع، مشهد
۳۶۸	۸-۱۳-۴ گنبد سبز، مشهد
۳۶۹	۸-۱۳-۵ آرامگاه شاه نعمت‌الله ولی، کرمان
۳۷۶	۸-۱۳-۶ مقبره هارون ولایت، اصفهان
۳۷۹	منابع و مأخذ

پیشگفتار

جلد دوم کتاب گذری بر یادمان‌های تاریخی ایران به اماکن تاریخی قرون اولیه اسلامی تا انتهای دوره صفوی اختصاص دارد. فصل اول این جلد به بیان اماکن تاریخی اولیه اسلامی ایران پرداخته است. فصل دوم این جلد به معرفی یادمان‌های دوره سامانی پرداخته، هرچند که خارج از مرزهای امروز ایران است. تلاش شده تا دانشجویان با روند توسعه معماری این دوره آشنا شوند. یادمان‌های دوره آل‌بویه در فصل سوم این جلد آمده و فصل چهارم، اختصاص به دوره سلجوقی دارد. اماکن تاریخی دوره مغول و ایلخانی در فصل پنجم بیان شده است. یادمان‌های دوره فترت و دوره تیموری و صفوی فصول ششم، هفتم و هشتم کتاب را تشکیل می‌دهند. در انتها منابع و مآخذ ذکر شده است.

علی اکبر مستقیمی

هیئت علمی دانشگاه یزد

Aliakbar_mostaghimi@yahoo.com

فصل اول

هنر اسلامی ایران

۱-۱ زمینه تاریخی

دولت ساسانی (از ۲۲۴ تا ۶۴۰ میلادی) علیرغم رشد فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در اواخر عمر خود دچار تناقض‌های شدید اجتماعی گردید. زرتشتی‌گری که خود را حامی محرومان جامعه می‌دانست دچار انحراف شدید شد. متولیان این کیش در آغاز حاکمیت سیاسی ساسانیان، به‌منظور سلطه اقتصادی و سیاسی سعی در استفاده ابزاری از دین نمودند و بر اساس مقتضیات به تعبیر و تفسیر آن پرداختند.

در مسابقه زران‌دوژی با اشراف زمین‌دار و سردمداران سیاسی شرکت کردند. حاصلخیزترین زمین‌ها را به پرستش‌گاه‌ها اختصاص دادند و با استفاده از منافع زمین‌ها، اخذ جرائم دینی، تخصیص نذورات مردمی به خود، معافیت از پرداخت مالیات متعارف و حضور مستمر در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی ثروتی انبوه برای خود پدید آوردند. حضور آنان در کنار سردمداران سیاسی و اشراف زمین‌دار باعث ایجاد فاصله‌ای عمیق بین آنان و مردم شد. مردم دریافتند که دین مردان زرتشتی نمی‌تواند و نمی‌خواهند یاور مظلومان جامعه باشند. دلسردی و یأس حاکم بر جامعه، مردم را شوشیانت‌گرا نمود. مزدک حامی مردم شد و نگاه مزدکی فراگیر. اصول‌گرایان و سنت‌پرستان مبارزه‌ای بی‌امان علیه دگران‌دیشان تدارک دیدند. علیه خواست مردم بپا خاستند و صداها را خاموش کردند. بعد از جریان مزدک و تثبیت مجدد قدرت اصول‌گرایان روحانیت زرتشتی روش قبلی خود را ادامه داد.

عامه مردم ناامید از اصلاح‌پذیری رهبران دینی و سیاسی، ناامیدانه، سرگشته و پریشان بدون هدف به یاد ازدست‌رفته‌ها بُهت‌زده و حیران ماندند، اما دریافتند که کیش زرتشتی علیرغم شعار زیبای پنداری، گفتاری و رفتاری خود، نه‌تنها یاور آن‌ها در زمینه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی نیست، بلکه مُبلِّغ دیدگاه‌های دولت، حامی کاست طبقاتی، محدودکننده فعالیت‌های فکری و اجتماعی، نابودکننده انگیزه‌های نوآوری و خلاقیت و نهایتاً ایجادکننده سکون و سکوت است که حاصلی جز واپس‌گرایی، تعفن و گنبدگی ندارد.

شرایط اقتصادی و اجتماعی و مذهبی ویژه‌ای که دولت‌مردان و دین‌مردان ساسانی بر جامعه ایرانی حاکم کرده بودند، عامل مؤثر پیروزی اعراب بر ایرانیان شد. اعراب که با شعار برابری و برادری اسلام مسلح شده بودند، به‌راحتی توانستند بر ایرانیان پیروز گردند. شعار زیبای مسلمانان روح و امید تازه‌ای در کالبد خسته و ناامید ایرانیان دمید.

ایران ساسانی با همه عظمت سیاسی خود در مقابل اعراب تازه‌مسلمان سر تسلیم فرود آورد و به‌عنوان بخشی از امپراتوری بزرگ اسلامی اداره شد. واکنش ایرانیان در مقابل پذیرش دین مبین اسلام متفاوت بود. گروهی قلباً اسلام را پذیرفته و به یادگیری زبان عربی پرداختند. گروهی دیگر به امید مشارکت در دولت جدید، اسلام را پذیرفته و برای برقراری ارتباط با عاملان خلیفه به یادگیری زبان عربی پرداختند. تعداد ایرانیانی هم بودند که اسلام را نپذیرفته و به دین پدران خود همچنان پایبند بودند. آنان با پرداخت جزیه در حکومت اسلامی به زندگی خویش ادامه داده، سنت‌های گذشته را پاس داشته، سعی در زنده نگه‌داشتن فرهنگ و ادب و هنر دوران ساسانی داشتند. خلفای اولیه اسلامی در مدینه مستقر گشته، زندگی بی‌پیرایه و عاری از تجملات برگزیدند. اما به‌زودی مشخص شد که گرچه این شهر به‌عنوان مرکز روحانی شایسته و مناسب است ولی نمی‌تواند به‌عنوان پایتخت امپراتوری بزرگ اسلامی نقش خود را ایفا کند. زندگی اعراب نیز که متحول شده بود و بافرهنگ شهرنشینی خو گرفته و در مناسبات اقتصادی سهیم گشته بود، دیگر قادر نبود در محدوده سنت‌های پیشین با ساکنان شرقی و متمدن کشورهای مفتوحه همگام باشد. بنابراین انتخاب پایتخت جدید اداری همراه با تحوّل و انتخاب شیوه نوینی از زندگی در دستور کار قرار گرفت.

پس از جریان‌های متعدد سیاسی در درون حکومت اسلامی و شهادت امیر مؤمنان حضرت علی(ع) در سال ۴۰ هـ. ق بنی‌امیه،^۱ حکومتی اشرافی بنیان نهاد که تا سال ۱۳۲ هـ. ق قدرت مرکزی سرزمین‌های اسلامی به‌شمار می‌رفت. مرکز حکومت آنان دمشق و شام، بخشی از محدوده متصرفات امپراتوری روم بود. امپراتوری روم که کل سرزمین‌های تحت تابعیت یونان را تصرف نموده بود خود را وارث تمدن و فرهنگ یونان می‌دانست که پس از مبارزه‌ای طولانی با مسیحیت، دین مسیح را پذیرفته و با رسمی کردن آن، خود را حامی این دین می‌دانست. تسلط سیاسی رومی‌ها بر سوریه باعث گردیده بود تا تأثیرات فرهنگی - هنری مسیحیت، منطقه را تحت تأثیر قرار دهد. حاکمیت سیاسی بنی‌امیه بر دمشق و شام عامل ارتباط مستقیم هنر بیزانس و دنیای اسلام شد. امویان با بهره‌گیری از اصول هنر و معماری رومی، بنیان هنر و تمدن اسلامی بخش غربی را پی افکندند. درباری شاهانه و به سبک رومی برای خود ترتیب دادند و رعایت موازین اسلامی را برای دیگران ملزم دانستند و خود، خودکامه عمل کردند. فرقه‌های مختلف سیاسی چون مرجئه را برای خود تشکیل دادند تا اعمال خود را موجه جلوه دهند. ضمن تحکیم پایه‌های حکومت خود، پان‌عربیسیم را مطرح کردند. عربیت و برتر بودن، اندیشه آنان را پر کرده بود، بقیه را عجم شمردند و مورد تحقیر قرار دادند. ایرانیان عاشق اسلام و معتقد به دیدگاه اصیل اسلام محمدی واکنش نشان داده و در برابر ظلم و جور آنان اقدام به مقابله به‌مثل نمودند. نهضت شعوبیه^۲ که آیه کریمه قرآن مجید را ملاک کار خود قرار داده و براساس آنکه خداوند می‌فرماید «همانا شما را خلق کردیم از مرد و زن، قبیله‌قبیله، شعبه‌شعبه کردیم کسی را بر کسی برتری نیست مگر به تقوا» عرب را موردتهاجم قرار داده و به تقویت مواضع فرهنگی ایرانیان پرداخت. گروهی دیگر از ایرانیان با در نظر گرفتن ظلم و تعدی بیش‌ازحد امویان و سوءاستفاده مالی آنان دست به قیام مسلحانه زدند که سرانجام

۱. یکی از تیره‌های بزرگ قبیله قریش که شماری از آنان نزدیک یک سده (۴۱-۱۳۲ق) بر سرزمین‌های اسلامی حکومت کردند. سلسله بنی‌امیه با آغاز خلافت معاویه در ۴۱ق آغاز شد و در ۱۳۲ق با شکست مروان بن محمد به پایان رسید.

۲. شعوبیه در لغت، یعنی اهل مساوات و برابری. و در اصطلاح گروهی‌اند که قائل به برتری عرب بر عجم نیستند. وجه‌تسمیه فرقه، مخالف تعصب عربی، به شعوبیه این است که این فرقه با استدلال به آیه «وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ» خواهان مساوات میان ملل بودند.

به رهبری ابومسلم خراسانی^۱ در سال ۱۲۹ هـ. ق توانست امویان را از قدرت به زیر آورد و اداره حکومت اسلامی را به عهده نوادگان عباس عموی پیامبر گرامی اسلام بسپارد به این امید که سیره محمدی مجدداً الگوی دولت‌مردان سیاسی حکومت اسلام گردد. با این تغییر عمده، مرکز خلافت از شام به بغداد منتقل و ایرانیان کم‌وبیش در دستگاه خلافت جایگاهی به‌دست آورند.

عباسیان^۲ پس از تثبیت قدرت، ثابت نمودند که دست‌کمی از امویان ندارند. با حيله، ابومسلم سردار ایرانی را کشته و به خودکامگی روی آوردند. آنان تا قرن دوم هجری تسلط کامل خود را بر ایران حفظ کردند.

از قرن دوم هجری به بعد شرایط سیاسی حاکم بر دولت عباسی باعث گردید تا در ایران سلسله‌هایی پدید آیند که خود را تا حدی از قدرت عباسیان دور نگه دارند. ایرانیان با پذیرش دین اسلام عربی‌زدایی را آغاز کرده، سلطه اعراب را بی‌رنگ نمودند. صفاریان، سامانیان، آل‌زیار و آل‌بویه از آن جمله بودند.

در منطقه سیستان، دیار قهرمانان افسانه‌ای، روحیه استقلال‌طلبی، پرشورتر از نقاط دیگر بود. در این منطقه که مهاجرین و مهاجمین به علت ضعف قدرت نمایندگان خلیفه، امان از مردم بریده و به اموال و نوامیس مردم دست‌درازی می‌کردند گروه‌های مقاومت محلی (مطّوعه) تشکیل گردید. یعقوب لیث صفاری^۳ که رویگرازده سیستانی بود توانست با ادغام گروه‌های مقاومت مردمی، در رأس آن‌ها قرار گرفته، قدرتی بهم‌زند و حکومت محلی ایجاد نماید. صفاریان با تسلط بر کل سیستان و اخراج عامل خلیفه به احیاء سنت‌های ایرانی دست زدند. پارسی‌گویی جان گرفت. یعقوب از مخالفان جدی زبان عربی بود. هرگاه جمله‌ای به عربی می‌شنید اظهار می‌کرد «سخنی که من اندر نیابم چرا باید گفتن؟»

۱. ابومسلم خراسانی (۱۰۰ تا ۱۳۷-۱۰۵ هـ. ق)، سردار ایرانی و رهبر جنبش عباسی که علیه بنی‌امیه قیام کرده و با براندازی آنان حکومت عباسیان را پایه‌گذاری کرد. درباره زندگی و شخصیت او اخبار و روایات متناقضی وجود دارد.

۲. بنی‌عباس از نسل عباس بن عبدالمطلب بودند که از سال ۱۳۲ تا ۶۵۶ هـ. ق به‌عنوان خلیفه بر جهان اسلام حکومت کردند. خلافت آن‌ها با حکومت ابوالعباس سَفّاح آغاز شد و با قتل مستعصم به دستور هولاکو خان مغول به پایان رسید. در این مدت ۳۷ خلیفه عباسی بر مسند خلافت نشستند.

۳. بنی‌عباس از نسل عباس بن عبدالمطلب بودند که از سال ۱۳۲ تا ۶۵۶ هـ. ق به‌عنوان خلیفه بر جهان اسلام حکومت کردند. خلافت آن‌ها با حکومت ابوالعباس سَفّاح آغاز شد و با قتل مستعصم به دستور هولاکو خان مغول به پایان رسید. در این مدت ۳۷ خلیفه عباسی بر مسند خلافت نشستند.

در خراسان طاهربن حسین^۱ سردار مأمون که وی را در مبارزه با امین، فرزند دیگر هارون الرشید، یاری کرده بود، حکومتی به نام خلیفه، اما به کام خود تشکیل داد. خلیفه مأمون به منظور پاداش و همچنین دور نگه داشتن وی از پایتخت او را عملاً در کار اداره منطقه آزاد گذاشت و تا زمانی که نام خلیفه در خطبه‌های نماز ذکر می‌کرد، خودکامگی کامل داشت. طاهربن حسین که به ذوالیمینین در تاریخ مشهور است تعصبی در احیاء سنت‌های ایرانی نداشت و به احتمال زیاد خود مُبلّغ عربی‌گویی و نشر افکار عرب در منطقه خراسان بود.

به موازات حکومت صفاریان^۲ در جنوب، حکومت سامانیان^۳ در شمال و شمال شرقی ایران کم‌کم قدرت گرفت. آنان در زمینه هنر و فرهنگ و تجدید حیات تمدن ایرانی نقشی فعال داشتند. در دوره حکومت آنان شهرهای بخارا، بلخ، سمرقند و برخی دیگر شهرها، آبادی و شکوهی کم‌نظیر یافتند، مخصوصاً بخارا که با شهر افسانه‌ای و ثروتمند بغداد رقابت می‌کرد. سامانیان در پیشبرد اهداف فرهنگی و هنری، کتابخانه‌های متعددی تأسیس کردند. هنرمندان، صنعت‌گران دانشمندان، شعرا و نویسندگان مختلف را مورد حمایت قرار دادند و زبان و خط پارسی را احیاء نمودند.

زبان دری گسترش یافت و در ادبیات، سبک خراسانی پا به عرصه وجود گذاشت و از آنجا به سایر مراکز ایران انتشار یافت. شعرایی چون رودکی، دقیقی، و عنصری به توسعه زبان پارسی همت گماشتند. دانشمندان بزرگی چون زکریای رازی، ابن سینا و بوسهل دین خود را در توسعه علم ادا نمودند. به موازات اهمیت یافتن کتاب و کتابخانه، کتاب‌آرایی آغاز شد که متأسفانه اثری از آن امروزه در دسترس نیست.

در اواخر سده چهارم گروهی در گیلان با کسب اعتبار و قدرت، سلسله آل‌بویه^۴ را پی‌ریزی نمودند. بعضی از امرای آنان مانند عزالدوله با تسخیر اصفهان و شیراز، تأیید

۱. ابوالطیب طاهر بن حسین (۱۵۹-۲۰۷ هـ. ق) ملقب به طاهر ذوالیمینین، یکی از سرداران ایرانی تبار مأمون، بود که سلسله طاهریان را در خراسان بزرگ بنیان نهاد.

۲. صفاریان دودمانی ایرانی بودند که بر گستره‌ای شامل بخش‌هایی جنوب شرق تا شمال شرق ایران حکومت می‌کردند. آنان خود را از نوادگان ساسانیان می‌دانستند که پس از حمله اعراب به سیستان مهاجرت کرده بودند.

۳. سامانیان (۳۸۳-۱۹۸ هـ. ق) دودمانی از امرا و حکمرانان ایرانی بودند که حدود دو قرن بر بخش‌های بزرگی از ماوراءالنهر با تأیید و مهر خلفای عباسی حکومت می‌کردند.

۴. شاهنشاهی بویی یا بوئیان (۳۱۳-۴۳۵ هـ. ق)، دودمانی ایرانی‌تبار از خاندان دیلمیان و شیعه‌مذهب در دوران پس از اسلام بودند که طی سالیانی در حدود ۱۲۰ سال در بخش شمالی، مرکزی، غربی و جنوبی ایران و بخش‌هایی از عراق فرمانروایی می‌کردند.

خلیفه عباسی را گرفت و پس از سلطه بر بغداد، خلیفه عباسی را دست‌نشانده خود نمود. امرای آل‌بویه علاقه فراوانی به هنر ایران قبل از اسلام داشتند به گونه‌ای که برخی از آثار به‌جامانده از این دوران شباهت کامل به نمونه‌های ساسانی دارد. هنرهای نظیر قلم‌زنی بر روی طلا و نقره، گچ‌بری و آجرکاری در این دوره توسعه یافت.

غزنویان^۱ غلامان ترک‌نژادی بودند که در دستگاه عباسیان کم‌کم قدرت یافته و امارات خراسان را به‌دست گرفته و وفاداری خود را به آنان ادامه دادند. غزنویان با حملات پیگیر خود هندوستان را فتح نموده و اسلام را در شبه‌قاره هند گسترش دادند. آنان در توسعه فرهنگ و تمدن ایرانی نسبت به سامانیان سهم کمتری به خود اختصاص دادند. از شعرای معروف این دوره فردوسی، عسجدی، عنصری و انوری را می‌توان نام برد. به علت تعصب مذهبی خود (تسنن) شعرای شیعی، چون فردوسی را قدر نشناخته و موجبات دل‌سردی آنان را فراهم آوردند.

هنر اسلامی یکی از پرازش‌ترین دستاوردهای انسانی محسوب می‌شود و محدود به مکان خاصی نیست. هنری است که تحت‌تأثیر عوامل جغرافیایی، قومی، منطقه‌ای با بهره‌گیری از سنت‌ها و روش‌های پیش از اسلام ایجاد شده است. ظهور دین اسلام و برپایی حکومت اسلامی بر ایجاد هنر اسلامی تأثیر شگرف داشته، که باعث خلق آثار و دستاوردهایی شده که پیش از آن وجود نداشته است. هنر رومی و مسیحیت بر هنرهای اسلامی بخش غربی تأثیر داشته به گونه‌ای که نگاه مدیترانه‌ای شاخصه‌ها و معیارهای غربی ملاک و معیار هنرمندان اولیه اسلامی بوده است. در بخش شرقی، هنرهای ایران قبل از اسلام، خاصه هنر ساسانی و نگاه شرقی باعث رشد و شکوفایی هنر اسلامی گشته است.

۱-۲ معماری

شاخص‌ترین رکن معماری اسلامی مسجد است که از آن به‌عنوان محلی برای مجمع نمازگزاران و خضوع و خشوع در برابر خالق یگانه بهره می‌برند. مسجد علاوه بر محل عبادت، پایگاه عقیدتی، مرکز سامان‌دهی فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، مرکز اطلاع‌رسانی و کانون فعالیت‌های اقتصادی هم بوده است. بدین لحاظ مسجد مرکزیت

۱. غزنویان (۵۸۳-۳۴۴ هـ. ق) دودمانی تُرک‌تبار که در بخش‌های شرقی ایران حکومت کردند. شهرت این سلسله، بیشتر به خاطر فتوحاتی است که در هندوستان انجام دادند.

عمده تغییر کیش ایرانیان و گرویدن به دین مبین اسلام، سرآغاز مسجدسازی در ایران بود، اما شیوه ساختمان سازی اعراب در ایجاد بنا ساده و ابتدایی بود که باذوق، سلیقه و خلاقیت ایرانیان سازگاری نداشت. ایرانیان که در امر معماری سابقه طولانی داشتند و در دوره های مختلف بناهای مذهبی و غیرمذهبی متعدد معروفی را برپا نموده بودند از ابتکارات خود در ساخت مساجد استفاده کردند. با تغییر کاربری آتشکده های چهارطاقی ساسانی هسته اصلی مساجد را پی افکندند. با مسدود کردن یکی از دهانه های چهارگانه چهارطاقی که با سمت قبله سازگار بود و ایجاد محرابی در آن سو، شبستان را شکل دادند. بدین ترتیب معماری مذهبی ایران باستان را به خدمت اسلام درآوردند (گدار، ۱۳۴۵: ۷۸). نمونه آن چهارطاقی یزد خواست است.

عناصر اصلی مسجد شامل: گنبد، ایوان، مناره، محراب، شبستان و حیاط یا میان سرای مرکزی است. ساخت گنبد بر فراز اتاق مربع شکل و تبدیل مربع به دایره به کمک سکنج یا فیلپوش ریشه در معماری چهارطاقی ساسانی دارد. علاوه بر چهارطاقی های ساسانی این گونه گنبد در کاخ سازی معمول بوده که نمونه را می توان در کاخ اردشیر اول در فیروزآباد فارس ردیابی کرد.

ایجاد ایوان در مسجد ریشه در منازل مسکونی خراسان دارد. فضایی که سه طرف آن بسته و دارای طاق ضربی است. ایوانی که رابط بین فضای باز و فضای بسته پشت آن است، در حقیقت بازپیرایی کاخ های ساسانی را نشان می دهد.

مناره یعنی جای نار و نور و به طور واضح تر، آتش گاه و روشنایی گاه، سازه ای چندضلعی و یا مدور با کارکردهای مختلف چون اذان گفتن است. مناره های قرن اول تا قرن پنجم هجری، ساده و منفرد و یا متصل به بنا چون مسجد جامع نائین و یا مجزا از بنا چون مسجد گلبایگان بوده اند. از قرن هفتم هجری، جفت مناره در مدخل بنا معمول گردید و با گذشت زمان اتاقکی به نام مؤذنه بدان اضافه گردید. محراب یا مکان جنگ با نفس عماره، مکانی روبه قبله محل نماز گزاردن امام جماعت است که گاهی گودتر از صحن مسجد به منظور نشان دادن خضوع و خشوع و فروتنی امام جماعت و گاهی در قسمتی از دیوار، فرو رفته است. شبستان به فضای گنبددار مسجد اطلاق می شود. حیاط یا میان سرا محاط به رواق ها، برگرفته از طرح های ایوانی اشکانی و ساسانی با حوضی در وسط محلی برای تجمع نمازگزاران است (پوپ، ۱۳۸۸: ۷۸).